

انتظارات امام حسن علیه السلام از شیعیان

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

ماه رمضان ماه خدا، ماه قرآن و ماه ولایت است؛ زیرا در این ماه «قرآن صامت» نازل و قرآن ناطق (امام علی علیه السلام) شهید و امام حسن علیه السلام متولد می‌گردد. این تقارن می‌طلبد که به انتظارات قرآن و اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسن علیه السلام از شیعیان پردازیم؛ زیرا در این ماه بندگان، برای عبادت، خشنودی خدا و کسب فضایل اخلاقی، رقابت می‌کنند. در این رقابت کسی برنده خواهد بود که خواسته‌های قرآن و امام حسن علیه السلام را برآورده کند. امام حسن علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِصْمَارًا لِيَخْلُقِيهِ فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ فَسَبِقْ قَوْمٌ فَفَازُوا وَقَصَّرَ آخَرُونَ فَخَابُوا؛^۱ خداوند ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد. پس برخی در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خشنودی الهی از یک‌دیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی‌توجهی و سهل‌انگاری خسارت و ضرر می‌نمایند».

انتظارات امام حسن علیه السلام متعدد است که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. جلب رضایت خداوند

یکی از انتظارات امام حسن علیه السلام جلب رضایت خداوند است؛ یعنی اینکه در تقابل خواست و رضایت فردی و اجتماعی، باید خواست خدا را مقدم داشت. حضرت می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخِطِ النَّاسِ كَفَاءَ اللَّهِ أُمُورَ النَّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخِطِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَ السَّلَامُ؛^۲ هر کس رضایت خدا را بخواند هر چند باخشم مردم همراه شود؛ خداوند او را

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۷.

۲. محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، ص ۲۰۱.

از امور مردم کفایت می‌کند».

رضایت، به معنای خشنودی است؛ اگر امری سازگار با میل ما باشد، از آن به رضایت تعبیر می‌شود.^۱ اما رضایت خداوند، به معنای تسلیم بودن در برابر امر و نهی او است^۲ و مقصود از ناخشنودی و خشم او، محروم کردن از نعمت و کیفر دادن است.^۳ بر این اساس چنان چه میان جلب رضایت خدا، خود انسان و سایر افراد، تقابل ایجاد شود، باید رضایت خدا مقدم شود. از این رو قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان را جلب رضایت خدا می‌داند:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسَنِي رِبِّهِ؛^۴ [اما] کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدایند)! پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان باغ‌های بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است همیشه در آن می‌مانند! [هم] خدا از آن‌ها خشنود است و [هم] آن‌ها از خدا خشنودند و این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگارش بترسد.

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه می‌خوانیم:

... به هر حال در این آیه نخست از پاداش مادی و جسمانی آن‌ها که باغ‌های پر نعمت بهشتی است سخن به میان آمده، و بعد از پاداش معنوی و روحانی، آنان که هم خدا از آنان راضی است و هم آنان از خدا راضی. آن‌ها از خدا راضی‌اند، چراکه هر چه خواسته‌اند به آن‌ها داده و خدا از آن‌ها راضی است، چراکه هر چه او خواسته انجام داده‌اند و اگر هم لغزشی بوده به لطفش صرف نظر کرده؛ چه لذتی از این برتر و بالاتر که احساس کند مورد قبول و رضای معبود و محبوبش واقع شده... است.^۵

متأسفانه برخی در تقابل رضایت خالق و مخلوق، رضایت مخلوق را مقدم می‌دارند؛ چنانکه خدا دستور می‌دهد گران‌فروشی و احتکار نکنید، یا به خاطر رضایت دیگران در مجالس عروسی لهُو و لعب شرکت ننمایید و حال اینکه عکس این امر اتفاق می‌افتد و این همان تقدم

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۰۶.

۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ذیل واژه «رضی».

۳. محمد بن علی شوکانی، فتح القدر، ج ۲، ص ۴۵۳.

۴. بینه: ۸ و ۴۷.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۰۹.

خواست مخلوق بر خالق است که زمینه خشم خدا را فراهم می‌کند. قرآن می‌فرماید: «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِنَسِ الْمَصِيرِ؛^۱ آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده، همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟! و جایگاه او جهنم و پایان کار او بسیار بد است».

۲. قرآن مداری

یکی از انتظارات امام حسن علیه السلام از شیعیان قرآن مداری است؛ قرآنی که عامل هدایت، امام و شفابخش روح و جسم انسان‌هاست. چنانکه حضرت فرمود:

مَا بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةٌ غَيْرُ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدُلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَحْفَظْهُ وَ أَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرَؤُهُ؛^۲ در دنیا غیر از این قرآن باقی نمانده، پس او را پیشوای خود قرار دهید تا شما را به راه نجات هدایت کند؛ و به درستی که سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل کند گر چه آن را حفظ نکرده باشد؛ و دورترین مردم از قرآن کسی است که به آن عمل نکند گر چه آن را قرائت کند.

هم‌چنین ایشان فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَ شِفَاءُ الصُّدُورِ؛^۳ همانا در این قرآن چراغ‌های هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن شفای دل‌ها و سینه‌هاست». این کلام امام حسن علیه السلام ناظر به این آیه است: «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ...».^۴ علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر «شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» می‌فرماید: «پس... "شفاء" آنچه در سینه‌هاست دو تعبیر کنایی است، و کنایه است از اینکه آن حالت بد و خبیث روحی که داشتیم و مرا به‌سوی شقاوت و بدبختی سوق می‌داد و عیش خوش مرا مکدر می‌ساخت، و خیر دنیا و آخرت مرا از بین می‌برد، از بین رفت و زایل گردید». بر این اساس «منظور از شفا دادن بیماری دل‌ها و یا به تعبیر قرآن شفای چیزی که در سینه‌هاست، همان آلودگی‌های معنوی و روحانی است مانند بخل و کینه و حسد و جبن و شرک و نفاق و امثال

۱. آل عمران: ۱۶۲ و ر. ک: سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۵.

۲. حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ص ۳۱۶.

۳. حسین حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۷۳.

۴. یونس: ۵۷: «ای مردم، از [سوی] پروردگارتان پندی [برای] شما آمده است و شفایی برای آن [دردی] که در سینه‌هاست».

این‌ها که همه از بیماری‌های روحی و معنوی است». و همین معنا در آیه ۸۲ سوره اسرا نیز آمده است: ^۱ «می‌دانیم "شفا" معمولاً در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌هاست؛ بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند همان پاک‌سازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است».^۲

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: آیا ما انتظارات امام حسن علیه‌السلام را در خصوص عمل به قرآن که هدف نزول آن است ^۳ برآورده کرده‌ایم؟ حقیقت این است که انتظارات امام برآورده نشده است، زیرا امروزه - متأسفانه - قرآن با تمام عظمت نه‌تنها به صورت شایسته در متن زندگی ما قرار نگرفته و اگر جایی هم به قرآن پرداخته می‌شود بیش‌تر محدود به ظواهر است؛ و حال اینکه خواست امام، حضور قرآن در تمام عرصه‌های زندگی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌برکاته می‌فرماید:

امروز نگاهی به صحنه زندگی مسلمانان بیفکنید، ببینید قرآن در کجاست؟ در دستگاه‌های حکومت؟ در نظام‌های اقتصادی؟ در تنظیم روابط و مناسبات مردم با یک‌دیگر؟ در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها؟ در سیاست خارجی و روابط با دولت‌ها؟ ... در خلق و خوی مدیران جوامع اسلامی؟ ... از این همه میدان‌های زندگی، تنها مساجد و مأذنه‌ها...؟ سید جمال صدسال پیش از این می‌گریست. می‌گریاند که قرآن مخصوص هدیه دادن و زینت کردن و خواندن بر مقبره‌ها و نهادن بر طاقچه‌هاست، در این صدسال چه تغییری حاصل شده است؟ آیا وضع قرآن برای امت قرآن‌نگران‌کننده نیست؟^۴

هم‌چنین ایشان فرمود: «مشکل بزرگ مسلمانان دنیا دوری از قرآن است؛ علاج هم برگشت به قرآن است... عیب بزرگ کار ما مسلمان‌ها، ما امت اسلامی اینجاست که دم از قرآن می‌زنیم، اما به قرآن عمل نمی‌کنیم...».^۵

بر این اساس اگر جامعه دینی به این معرفت نائل آیند که قرآن یگانه نسخه شفابخش

۱. «و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۳. انعام: ۱۵۵: «و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ».

۴. پیام آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌برکاته در زمان ریاست جمهوری به کنفرانس اندیشه اسلامی، بهمن‌ماه ۶۴، به نقل از: قرآن در آینه اندیشه‌ها.

مشکلات همه‌جانبه و پیش روی آن‌هاست؛ اصلی‌ترین عامل مهجوریت قرآن زدوده^۱ و حیات طیبه محقق خواهد شد.^۲

پس بیاییم در ماه رمضان که ماه بهار قرآن است، با قرآن بیشتر مأنوس و معارف بلند آن را دستورالعمل زندگی قرار دهیم؛ چنانکه علما با قرآن مأنوس و به آن عمل و تأثیر آن را در زندگی احساس می‌کردند.

یکی از هم‌سلول‌های آیت‌الله طالقانی می‌گوید:

شبی در زندان درحالی‌که از هر سلول ناله‌ای استغاثه آمیز به گوش می‌رسید، یکی آه می‌کشید و دیگری از درد شکنجه به خود می‌پیچید و خدا را به یاری می‌طلبید و شخص دیگری در آتش تب می‌سوخت و در هزیان، عزیزانش را به نام می‌خواند، صدای ملکوتی قرآن از مرحوم طالقانی به گوش می‌رسید که می‌فرمود: «وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا»^۳ ناگاه دژخیمان زندان وارد شدند و مرحوم طالقانی را بردند و بعد از مدتی درحالی‌که تن شریفش در زیر تازیانه آنان سیاه شده بود او را برگرداندند. اما باز صدای قرآنش به گوش رسید: «وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا»^۴ باز صدای زندان‌بان شنیده شد که آمدند و مرحوم طالقانی را بردند و او را شکنجه کردند و برگرداندند. مجدداً صدای قرآن او بلند شد و با اینکه هم‌سلولی‌هایش از او خواهش کردند که از ادامه قرآن چشم بپوشد؛ زیرا زندان‌بانان اهل ترحم نبودند، ولی مرحوم طالقانی در جواب گفت: امشب دلم گرفته و هوای تلاوت قرآن را کرده است و شکنجه آنان تأثیری در من ندارد. آن‌گاه خواند: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»^۵. باز در سلول باز شد و پیکر او را کشان‌کشان به شکنجه‌گاه بردند. هنگامی که او را آوردند دیگر وقت خروس خوان صبح بود و از جای تازیانه‌ها خون می‌چکید.^۶

دکتر فاطمه طباطبایی (عروس امام) می‌گوید: «نجف که بودیم آقا چشم‌شان ناراحت شده بود. دکتر آمد و چشم ایشان را دید و گفت: «شما چند روز قرآن نخوانید و استراحت کنید». امام

۱. فرقان: ۳۰ «وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا».

2. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n119320>

۳. النازعات: ۲۱ و ۲۰.

۴. النازعات: ۳ و ۴.

۵. النازعات: ۵.

۶. علی‌اکبر مؤمنی، انس با قرآن در سیره عالمان، ص ۶۶.

یک‌دفعه خندیدند و گفتند: «دکتر من چشمم را برای قرآن خواندن می‌خواهم، چه فایده‌ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم...»^۱ «فَأَقْرُوا مَا نَيْسَرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲.

۳. آمادگی برای زندگی جاودانه

مرگ حقیقتی انکارناپذیر است که گریبان‌گیر هر موجود زنده‌ای خواهد شد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»^۳ هر جانداری که مرگ را می‌چشد، آن‌گاه به‌سوی ما بازگردانده می‌شود. از این رو در منابع دینی به «آخرت‌گرایی و معاد باوری» اهمیت زیادی داده شده است، به‌گونه‌ای که در قرآن صدها آیه به قیامت اشاره دارد و از جهت اهمیت بعد از «توحید» قرار گرفته است؛ چراکه یاد مرگ و قیامت سبب می‌شود انسان خود را برای سفر جاودانه آماده و از لذات زودگذر دنیا چشم‌پوشی کند. البته آمادگی برای زندگی جاودانه به معنای انزوا و دنیا‌گریزی نیست، بلکه استفاده عاقلانه از مواهب دنیاست؛ امام حسن علیه السلام ضمن سفارش انسان به آخرت‌گرایی، به بهره‌گیری معقول از دنیا نیز دعوت می‌کند. جناده نقل می‌کند در بیماری‌ای که منجر به شهادت امام حسن علیه السلام شد، خدمت ایشان رسیدم. دیدم وضعیت جسمی امام خیلی ناراحت‌کننده است؛ از این رو به حضرت عرض کردم مرا نصیحت کنید. امام علیه السلام فرمود: «اسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ... وَ اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ عَدَاً»^۴ برای دنیا آن قدری تلاش کن که گویا همیشه در دنیا هستی و برای آخرت آن‌گونه زحمت بکش که گویا همین فردا از دنیا خواهی رفت».

امام حسن علیه السلام یکی از خصوصیات شیعه را خوشحال بودن در هنگام مرگ بیان می‌کند: «أَعْظَمُ سُرُورٍ يَرِدُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ نُقِلُوا عَنْ دَارِ النَّكْدِ إِلَى نَعِيمِ الْأَبَدِ وَ أَعْظَمُ تُبُورٍ يَرِدُ عَلَى الْكَافِرِينَ إِذْ نُقِلُوا عَنْ جَنَّتِهِمْ إِلَى نَارٍ لَا تَبِيدُ وَ لَا تَنْفَدُ»^۵ بزرگ‌ترین شادمانی که بر مؤمنان وارد می‌شود، زمانی است که از دار عسرت و در ماندگی دنیا به نعمت‌های جاودان رخت بر بندند و بزرگ‌ترین هلاکتی که بر کافران فرود آید؛ زیرا آنان از بهشت خود (دنیا) به آتشی که نه خاموشی و نه پایانی دارد، رخت بر بندند.

۱. همان، ص ۳۳.

۲. مزمل: ۲۰.

۳. عنکبوت: ۵۷.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

۵. محمد بن علی بن بابویه، إعتقادات الإمامية، ص ۵۲.

بنابراین اگر انسان دیدگاه امام حسن علیه السلام را به دنیا داشته باشد، نه تنها از مرگ هراس ندارد، بلکه در هنگام مرگ خوشحال است؛ زیرا مرگ رهایی از قید و بندهای دنیا و دیدار با معشوق است. امام علیه السلام درباره هراس و ترس از مرگ چنین فرمود: «إِنَّكُمْ أَخْرَبْتُمْ آخِرَتَكُمْ وَعَمَرْتُمْ دُنْيَاكُمْ فَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ الثَّقَلَةَ مِنَ الْعُمْرَانِ إِلَى الْخَرَابِ»^۱ شما تمام کوشش خودتان را صرف آبادی دنیا کرده‌اید و برای آخرت کار نیکی ندارید و به همین خاطر از مرگ می‌ترسید که از جای آباد به جای خراب منتقل شوید».

نقل شده است در اواخر عمر میرزا جواد آقا تهرانی که در بیماری شدیدی به سر می‌بردند، دکتر از ایشان سؤال می‌کند: «آقا آیا دردی دارید؟ ایشان می‌فرماید: خیر دردی ندارم ولی غم دارم؛ غم دوری از محبوب. یکی از مراقبین ایشان می‌گفت: در چند ماهه آخر عمر که گویا می‌فهمیدند وصال به محبوب نزدیک شده، بیشترین ذکر که بر لب داشتند ذکر «یا الله» بود»^۲. اگر امروزه مردم بدانند نتیجه کارهای خوب و بدی را که انجام می‌دهند، خواهند دید^۳، حواسشان را جمع می‌کنند و مرتکب گناه نمی‌شوند. انسان اگر به آخرت توجه نکند، مرتکب گناه می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمَيِّتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ»^۴ یاد مرگ، خواهش‌های نفس را می‌میراند». و شاید به همین دلیل است که یاد مرگ به قدری ارزشمند است که از برترین اندیشه‌ها و برجسته‌ترین عبادت‌ها محسوب می‌شود؛ چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ أَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ»^۵. پس بیاییم با تهیه توشه، آماده سفر زندگی جاودانه باشیم و فرصت‌ها را از دست ندهیم؛ همان‌گونه که امام حسن علیه السلام فرمود: «ای فرزند آدم! از موقعی که به دنیا آمده‌ای در حال گذراندن عمرت هستی، پس از آنچه داری برای آینده‌ات [قبر و قیامت] ذخیره نما»^۶. قرآن درباره از دست دادن فرصت‌ها می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ^۷؛ شاید در آنچه ترک کردم

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۰.

۲. <http://serajnet.org/userfiles/www.salehin.com/fa/salehin/hekayat>

۳. زلزله: ۵.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۳۸.

۶. حسین حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۰.

۷. مؤمنون: ۹۰ و ۱۰۰.

[و کوتاهی نمودم] عمل صالحی انجام دهم! [ولی به او می‌گویند:] چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید [و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است] و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی فرمود:

حاج قاسم سلیمانی مکرر در دفتر ما رفت و آمد داشت. در آخرین دیدار بعد از ملاقات رسمی گفتند که همه بیرون بروند من با شما کاری خصوصی دارم، بنده و ایشان در اتاق ماندیم.

حاج قاسم از کیف کفنش را آورد و به بنده گفت که کفن من را امضا کنید و نام خود را بنویسید و ما هم امضا کردیم؛ بعد هم گفت: می‌خواهم به‌عنوان خداحافظی چند رکعت نماز پشت سر شما بخوانم. بعد از دیدار بنده از ایمان و بصیرت ایشان منقلب شدم و عشق و علاقه به جهاد و شهادت داشت. در زمان خداحافظی سردار سلیمانی را در آغوش گرفتم و آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» را قرائت کردم و با چشمان اشک بار خداحافظی کردیم.^۱

شاعر می‌گوید:

شربت مرگ چو اندر قدح من ریزی بر قدح بوسه دهم مست و خرامان میرم^۲

۴) عقل‌گرایی

عقل در لغت معانی مختلفی دارد که منع، بستن و نگه‌داشتن از جمله آن‌هاست و بعضی ریشه عقل را حبس و نگه‌داشتن دانسته و بدان جهت عقل نامیده‌اند که آدمی را از گفتار و عمل ناپسند نگه‌داشته و او را مقید می‌کند.^۳ بر این اساس عقل راهنمایی است که راه صحیح را از راه انحرافی تشخیص می‌دهد و ما را از راه انحرافی باز می‌دارد. به همین جهت، رسول خدا ﷺ از عقل به‌عنوان بهترین چیز یاد کرده است، آنجا که می‌فرماید: «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الْعُقْلِ». ^۴ عقل موجب اندیشه و خردورزی می‌شود و در آیات^۵ و روایات متعددی به خردورزی

1. <https://www.abrobad.net/fa-ir/Article>

۲. دیوان شمس تبریزی، غزل ۱۶۳۹.

۳. مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۳، ص ۵۷۵

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۲.

۵. رک: محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۵۰.

توصیه و تأکید شده است. از این رو امام حسن علیه السلام تفکر و خردورزی را منشأ همه خوبی‌ها دانست: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِدَامَةِ التَّفَكُّرِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَ أُمُّهُ؛^۱ شما [شیعیانم] را به تقوای الهی و اندیشیدن همیشه سفارش می‌کنم؛ زیرا که اندیشیدن پدر و مادر همه خوبی‌هاست».

خردورزی در عرصه‌های مختلف، از جمله فردی نمود می‌یابد؛ چنانکه انسان با اندیشه و استدلال عقلی اصول اعتقادی خود را انتخاب کرده، خدا را با عقل می‌شناسد. امام حسن علیه السلام از عقل به عنوان کلید حکمت یاد کرده است. بی‌تردید یکی از مصادیق حکمت، خداشناسی و معاد باوری با محوریت عقل است: «عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ وَ مَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ؛^۲ بر شما [شیعیان] لازم است که اندیشه کنید؛ زیرا فکر کلیدهای درهای حکمت است».

یکی از مصادیق حکمت، شناخت زمان و پیش‌آمدهای آن و دوری از غافل‌گیر شدن در رخداد است؛ یعنی کسی که خردمندانه زندگی می‌کند، هیچ‌گاه بازیچه دست این و آن نمی‌شود؛ چه در مسائل کوچک خانواده و چه در مشکلات بزرگ جامعه و کشور و حتی مسائل جهانی؛ زیرا عقل بهترین راهنما در شناخت حق و باطل و فضای غبارآلود است.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴/ق ۱۳۶۳ ش.
۲. ابن فارس، حمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مصحح هارون، عبد السلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، إعتقادات الإمامية، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی؛ چاپ ششم، تهران: کتابچی ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی، انتشارات اقبال، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی، اول، ۱۴۱۲ ق.
۸. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، مترجم طباطبایی، سید عباس، قم:

۱. مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعة ورام، ج ۱، ص ۵۲.

۲. حسن بن محمد، دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۹۸.

جامعه مدرسین: پنجم ۱۳۷۶ش.

۹. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۰۸ق.

۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

۱۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، چاپ اول: بیروت: دار ابن کثیر- دارالکلم، ۱۴۱۴ق.

۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، پنجم، ۱۴۱۷ق.

۱۳. فخرالدین رازی؛ ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، محمد آخوندی؛ چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۱۵. لیبی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح حسنی بیرجندی، حسین، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۷۶ش.

۱۶. مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی، قاموس المحيط، دارالحیل [بی جا، بی تا].

۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۱۸. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، اول، ۱۳۷۴ش.

۱۹. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل بیت عليه السلام، دوم، ۱۴۰۹ق.

۲۰. مؤمنی، علی اکبر، انس با قرآن در سیره عالمان، قم: بوستان کتاب، دوم، ۱۳۹۶ش.

۲۱. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه، اول، ۱۴۱۰ق.